

# انجمنهای زنان در دوران مشروطه

دکتر گلناز سعیدی\*

مخالفت خود با رژیم سیاسی و پیامدهای آن را اعلام می کردند. حتی در این راستا به حفاظت از روحانیون و دادن کمکهای مالی برای تأمین بخشهایی از هزینه بست نشینان پرداختند. تاریخ از درگیریهای پر شمار زنان با قزاقان و سر بازان می گوید و اینکه آنان در تمام رویدادهای مشروطه و در پیروزی آن شرکت تام داشته اند. از فعالیتها و عملکرد این گروه از زنان در دوران پیش از انقلاب مشروطه آگاهی زیادی نداریم. شاید آنها به خواندن آثار روشنگران ایرانی (و در پاره ای موارد اروپایی) و بررسی آن در محافل و مجالس زنانه می پرداختند. زیرا پس از گشایش مجلس شورای ملی (۱۹ شعبان ۱۳۲۴ ق/ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۶ م)، زنانی که دارای هدفها و آرزوهای روشنی بودند فعالیت خود را آغاز کردند و با بهره گیری از شرایط سیاسی دگرگون شده کشور، انتشار مقاله هایی در روزنامه ها و فرستادن لایحه به مجلس شورای ملی و با حضور و شرکت در همایشهای گوناگون هدفها و خواسته های خود را اعلام کردند.<sup>۲</sup> با پیروز شدن انقلاب، زنان نیز همراه با گرامیداشت

انقلاب مشروطه سر آغاز جنبش زن ایرانی برای دستیابی به حقوق خویش است تا آن هنگام، زنان تجددخواه که ناچیز و کم شمار بودند، در محافل و مجالس خود به گفت و گو و بررسی درباره شرایط زندگی و موقعیت فردی و اجتماعی زن ایرانی در سنجش با زن اروپایی می پرداختند و به اقدامات لازم برای دگرگون کردن این وضع می اندیشیدند. انقلاب مشروطه و آزادیهای سیاسی و اجتماعی برخاسته از آن سبب شد تا این گروه از زنان بتوانند از یک سو، خواستها و هدفهای خود را از محافل در بسته به پهنه جامعه بکشانند و برای دستیابی به آن بکوشند، و از سوی دیگر، در پیوند با جنبش عمومی تلاش کنند تا سرچشمه نابسامانیهای جامعه ایران و راه برون رفت از آن را بیابند.<sup>۱</sup>

روند مشارکت زنان در انقلاب مشروطه را در حقیقت باید در دو دوره پیش و پس از پیروزی انقلاب مشروطه جستجو کرد.

پیش از پیروزی مشروطه، زنان با شرکت در تظاهرات، تجمعها و تحصنها، هواداری خود از مشروطه خواهان و

در ۱۹۰۵ م که علما در صحن حضرت عبدالعظیم بست نشستند، زنان برای مصون نگاه داشتن ایشان از نیروهای مسلح دولتی، موانعی انسانی پدید آوردند.<sup>۵</sup> در تابستان ۱۹۰۶ که ایرانیان ملی‌گرا در سفارت انگلیس بست نشستند، چندین هزار زن کوشیدند که به بست نشینان بپیوندند، اما مقامات انگلیسی جلوی آنها را گرفتند.

پس از امضای فرمان مشروطیت در ۱۹۰۶ م، زنان فعالیت خود را شدت بخشیدند و در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، به ویژه برپایی بانک ملی و تحریم منسوجات خارجی، سخت کوشیدند.

بر سر هم در دوره ۱۹۰۸-۱۹۰۶ م زنان ایرانی در جنبش ملی بسیار پویا بودند، چنانکه به برپایی انجمن پرداختند و با محافظه کاران و نمایندگان بی کفایت مجلس در افتادند. شکل‌گیری انجمنها و تشکلهای زنان در ایران به دوره تدارک انقلاب مشروطه و پس از آن بازمی‌گردد. نمونه شایانی از چنین انجمنهایی «انجمن حریت زنان» است. این انجمن بر اثر برنامه‌ریزی شماری از روشنفکران زن و مرد در ۱۲۸۶ ش برپا شد. هر چند در این انجمن، هم زنان و هم مردان عضویت داشتند، اما هیچ مردی به تنهایی اجازه شرکت در نشستهای این انجمن را نداشت و باید همراه با یکی از زنان خویشاوند یا آشنای خود در آن شرکت می‌کرد.<sup>۶</sup> اندکی پس از تشکیل حکومت مشروطه، زنان بار دیگر در بهینه‌تکاپوی اجتماعی نمایان شدند. «انجمن نسوان وطن» و چند شورای دیگر زنان با گرفتن وام از روس و انگلیس به

گشایش مجلس ملی در برپایی جنبش مشروطه شرکت کرده و کوشیدند تا از هر راه ممکن از دستاوردهای انقلاب پاسداری کنند. با فروش طلاهای خود به برپایی بانک ملی با بودجه و سرمایه ملی یاری رساندند و در واکنش به اتمام حجت روس برای بیرون کردن مورگان شوستر (کارشناس امور مالی) به تظاهرات مسلحانه از سوی «انجمن مخدرات وطن» دست زدند و کالاهای روسی را تحریم کردند. آنها برای گردآوری کمکهای مالی برای پیشرفت جنبش خود کنفرانسها و نمایش‌های تئاتر برپا کردند. در نمایشی در بهار ۱۹۱۰ م در پارک اتابک، پنج هزار زن و از جمله چند زن اروپایی شرکت جستند و مبلغ چهار صد تومان برای تأسیس مدرسه‌ای برای دختران یتیم و کلاسهای آموزش بزرگسالان و برپایی در مانگاه زنان، گردآوری شد. همچنین در این نمایش از زنان خواسته شد که به گونه‌ای منظم به انجمن نسوان وطن که مسئول برگزاری این نمایش بود، کمک کنند.<sup>۳</sup>

از دیگر نشانه‌های حضور زنان پس از پیروزی انقلاب مشروطه را می‌توان تلاش آنها برای پرداختن به امور ویژه خود دانست به گونه‌ای که انجمنها، مدارس و روزنامه‌های زنان پا به پهنه اجتماع نهادند و تلاش برای آگاه کردن گروههای گوناگون زنان شدت گرفت. پس از آنکه مجلس برخاسته از پیروزی مشروطه با برپایی انجمنهای سیاسی زنان به مخالفت برخاست و «طایفه نسوان» را از گروههایی دانست که حق انتخاب و رأی دادن ندارند (ماده ۳ نظامنامه انتخاباتی مجلس شورا مصوب ۲۰ رجب ۱۳۲۴) زنان با برپایی تظاهرات و عریضه‌نویسی برای رفع موارد ناقص قانون اساسی (که سبب تضییع حقوق اجتماعی افراد جامعه، از جمله زنان شده بود) خواستار تصویب متمم قانون اساسی شدند. و کمابیش از همان دوران بود که زنان در آشکار و نهان به مخالفت و اعتراض نسبت به نظام حاکم پرداختند. این گروه از زنان در تاریخ باعنوان زنان معترض شناخته شدند.<sup>۴</sup> شایان توجه است که زنان معترض ایرانی همواره در جنبش مشروطیت نقش مؤثری داشتند، واژه «معترض» در منابع و یا برگردان آن در فرهنگ فارسی به آن معناست که زنان در پی رسیدن به حقوق از دست رفته خود، وارد بهینه‌سیاست می‌شدند، و اعتصاب می‌کردند و در مواردی از نظر مالی و اخلاقی به مشروطه خواهان یاری می‌رساندند. برای نمونه:

● **پیش از پیروزی مشروطه، زنان با شرکت در تظاهرات، تجمع‌ها و تحصن‌ها، هواداری خود از مشروطه خواهان و مخالفت خود با رژیم سیاسی و پیامدهای آن را اعلام می‌کردند. حتی در این راستا به حفاظت از روحانیون و دادن کمکهای مالی برای تأمین بخشهایی از هزینه بست نشینان پرداختند.**

آزاد» و... زن تازه‌ای پدید آمد، بخشی از این فرآیند، ایجاد احساس بیگانگی و شرمزدگی در زن سنتی نسبت به زن نوگرا بود، به گونه‌ای که دانسته‌های زنان سنتی همچون جهل و سخن و حرکات و رسوم آنان مایه سرافکندگی و خفت ملت پنداشته شد.<sup>۸</sup>

انجمن آزادی زنان در ۱۹۰۶م در تهران تشکیل شد که کمابیش از نخستین انجمنهای عصر مشروطیت بود و اعضای برجسته آن عبارت بودند از:

صدیقه دولت آبادی، صفیه یزدی، شمس الملوك جواهر کلام، «مری پارك جردن» که يك مبلغ مسیحی آمریکایی بود و آمریکایی دیگری به نام «آنی استاکینگ بویس»، تاج السلطنه و افتخار السلطنه، دختران ناصر الدین شاه و صدیقه دولت آبادی که افزون بر فعالیت در این انجمن، عضو «انجمن مخدرات وطن نیز بود».<sup>۹</sup>

هدف اصلی همه انجمنهای زنان تأکید بر حقوق زنان نبود. هدف اصلی پاره‌ای از آنها مانند «انجمن مخدرات وطن» بیرون آوردن ایران از زیر سایه چیرگی خارجیان بود. این انجمن در ۱۲۸۹ ش. برای سازمان‌دهی زنان بر محور فعالیت‌های گوناگون در برابر نفوذ بیگانگان پدید آمد. هر چند نگرانی اعضای این انجمن موقعیت زنان بود اما آنان استثمار ایران از سوی کشورهای دیگر را عامل وضع نابسامان زنان می‌دانستند، بیش از نیم سده بعد در دوران انقلاب اسلامی نیز درست همانند این مباحث بار دیگر مطرح شد.<sup>۱۰</sup>

خانم «مریت هاکس» متولد ۱۸۷۷م در نیویورک که فرهیخته رشته روزنامه‌نگاری بود، سفرنامه‌ای با عنوان «ایران، افسانه و واقعیت» در زمینه سفرش به ایران نوشته و پژوهش جامعی درباره زنان ایران در تاریخ کنونی کرده است. او در کتاب خود این چنین می‌نویسد:

«در ایران يك انجمن بانوان به نام «وطن خواهان» وجود دارد که از اعضای آن البته کاسته شده، (در ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۰م) ولی این انجمن با ترتیب دادن جلسات سخنرانی و اداره مدرسه‌ای برای زنان بزرگسال، خدمات ارزنده‌ای ارائه می‌دهد». او این چنین ادامه می‌دهد: «دو نشریه مربوط به زنان هم وجود دارد که خط‌مشی آنها، تسریع آموزش برای زنان و روشن ساختن این مطلب است که مهمترین وظیفه زنان عبارت از این است که با رعایت نظم و

● پس از آنکه در دوره نخست انقلاب مشروطیت، جایگاه اجتماعی زنان ایران تأمین نمی‌شود (مصوبات نظامنامه مجلس بهترین نمونه این شکست است)، محافل وابسته تجددگرا در پیگیری هدف نهایی همسوسازی زن ایرانی با فرهنگ جهانی و برای دگرگونی در این بخش از جوامع شرقی، از درپچه وظایف سنتی زنان، مانند خانه‌داری، تعلیم و تربیت... به امور زنان می‌پردازند.

مخالفت برخاستند و همایشهای عمومی برای بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله حقوق زنان برپا کردند. در این زمینه میخائیل پاولوویچ Mikhail Pa-volovitch، دموکرات اجتماعی روس چنین می‌نویسد: «زنان اغلب از افراد سخنور دعوت می‌کردند تا در باشگاه آنان صحبت کنند. زنان به خوبی از حقوق مقدس خود دفاع کردند و این روحیه حتی در حر مسراها راه یافته بود به طوری که زنان حر مسرا با اشتیاق روزنامه می‌خواندند و درباره نظرات مجلس، بحث می‌کردند».<sup>۷</sup>

پس از آنکه در دوره نخست انقلاب مشروطیت، جایگاه اجتماعی زنان ایران تأمین نمی‌شود (مصوبات نظامنامه مجلس بهترین نمونه این شکست است)، محافل وابسته تجددگرا در پیگیری هدف نهایی همسوسازی زن ایرانی با فرهنگ جهانی و برای دگرگونی در این بخش از جوامع شرقی، از درپچه وظایف سنتی زنان، مانند خانه‌داری، تعلیم و تربیت... به امور زنان می‌پردازند. از این رو در پی ایجاد مدارسی که از همان سالهای نخست مشروطه آغاز به کار کردند و با عناوینی همساز با انگاره‌های زنانه، همچون «تاموس»، «مکتب خانه شرعیات»، «عفتیه»، «مخدرات اسلامی»... نامگذاری شده بودند، و حساسیت کمتری را برمی‌انگیخت، با آموزش «علم خانه‌داری» «حفظ الصحه» «روشهای صحیح تغذیه» «فواید ورزش و تنفس در هوای

دو گونه از مدارس ایجاد شد: نخست، مدارسی که خارجیان برپا می کردند که بی گمان دارای انگیزه استعماری و ضددینی بودند. دوم، مدارسی که ایرانیان با عشق و علاقه وطنی، ولی متأثر از نظام آموزش و پرورش اروپایی برپا می کردند که پاره‌ای از آنها با نظام سنتی تعلیمات ایرانی کمابیش هماهنگی داشت و بسیاری از آنها به کلی از تداوم فرهنگی بریده بودند که شاید راز اصلی نابابوری آموزش در جامعه معاصر ایرانی را باید در آن جستجو کرد.<sup>۱۲</sup>

شمار زیادی از مدارس دخترانه را که در ۱۹۱۳ م پویا بودند نشریه شکوفه (ویژه زنان) فهرست و سه تایی آنها را منتشر کرد که کمابیش همه آنها با انجمنهای زنان پیوندی منظم داشتند. در این مورد شوستر می نویسد: شماری از انجمنهای نیمه سری زنان که از سوی یک کمیته مرکزی هماهنگ می شدند، در تهران وجود داشتند. در این کمیته یک دفتر پژوهشی نیز برپا بود که به پرسشهای زنان پاسخ می داد، اما به هر رو، بسیاری از مسائل مربوط به انجمنهای زنان برای مارویشن نیست، برای نمونه بخش بزرگی از فعالیت آنها در جایی ثبت نشده است. پاره‌ای از اعضای انجمنهای زنان برای روزنامه‌های آن دوره مقاله می نوشتند و به بررسی موضوعات سیاسی و اجتماعی می پرداختند. خاطرات و نوشته‌هایی از این دست نشان از زانی دارد که در بیشتر فعالیتهای دوران مشروطه شرکت داشتند، که این فعالیتهای و یا جنبشها به راستی تاریخ زنان ایران را تشکیل می دهد.

شماری از انجمنهای زنان ایران در میان سالهای ۱۹۰۷ و

بهداشت و آموختن درس در ستکاری و مسئولیت اجتماعی برای فرزندان خود، مادرانی شایسته باشند. این روزنامه‌ها و مجلات بر این نکته تأکید دارند که تنها از طریق سواد و دانش می توان به این اهداف رسید. مدیر مجله هفتگی «آینده ایران» با تیراژ دو هزار شماره، بانوی علاقه‌مندی به نام «فخری عادل خلعتبری» است که زندگی کاملی دارد. زیرا با داشتن شوهر و پنج فرزند، علاوه بر ریاست مجله مذکور، و همکاری با شوهرش در اداره مجله، در مدرسه دخترانه هم درس می دهد.

خانم مریت هاکس در واقع دو سفر مهم به ایران داشت که سفر اول ایشان مربوط به سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳۰ است و سفر دوم در سالهای ۱۹۳۷-۱۹۳۵ بوده که از منجستر با کشتی باری، و در واقع به عنوان تنها مسافر زن بوده که به سوئی حرکت می کند. او قسمتهای زیادی از ایران را از نظر گذرانده و جامعه زنان آن روز ایران را به عنوان زنان به دور از انزوا تحلیل نموده است. او در کتاب و مقالاتش از فعالیتهای مخفی زنان برای رسیدن به آزادی بیان صحبت نموده است.<sup>۱۱</sup>

از آنجا که ورود آثار فرهنگی-اجتماعی تمدن غرب، در همه زمینه‌ها جامعه ایران را زیر پوشش خود قرار داد، آموزش و فرهنگ نیز از این چارچوب بیرون نبود. نظام آموزشی در ایران به شیوه سنتی «مکتب‌خانه» بود که در تمام دوره قاجار و حتی تا دوره پهلوی نیز پایه‌های روشهای تازه آموزشی در جامعه رواج داشت. بیشتر زنان و دختران نیز در همین مکتب‌خانه‌ها به یادگیری سواد و تحصیل علوم رایج زمان می پرداختند.

در دوره قاجار پراکندگی و تراکم مکتب‌خانه‌ها با اندازه اعتقادات مذهبی و ملی مردم و میزان رسوخ فرهنگ اروپایی پیوند مستقیمی داشت.

در کنار آموزش به شیوه سنتی، فکر آموزش و پرورش زنان به سبک غربی، از آغاز دوره قاجار شکل گرفت. این امر، از آثار مسافرتها و آشنایی‌های جهانگردان ایرانی و مشاهده آموزش دختران اروپایی به شمار می رفت.

از سوی دیگر، رفت و آمد اروپاییان نیز زمینه را برای برپایی این گونه مدارس در ایران آماده ساخت. بر سرهم پس از این آشنایی‌ها و دگرگونی در سطح و روش سوادآموزی،

● هدف اصلی همه انجمنهای زنان تأکید بر حقوق زنان نبود. هدف اصلی پاره‌ای از آنها مانند «انجمن مخدرات و وطن» بیرون آوردن ایران از زیر سایه چیرگی خارجیان بود. این انجمن در ۱۲۸۹ ش. برای سازمان دهی زنان بر محور فعالیت‌های گوناگون در برابر نفوذ بیگانگان پدید آمد.

رهبران مشروطیت نیز همکاری داشتند و در تظاهرات دسامبر ۱۹۱۱ نقش مهمی در رهبری این جریان بازی کردند.

البته هماهنگ با فعالیت تشکلهای سیاسی و اجتماعی زنان، مؤسسات دیگری چون «شرکت خیریه خوانین ایران» و «انجمن خوانین ایران» در ۱۹۱۰ م سخت کوشا بودند و برای برپایی مدرسه و بیمارستان و پرورشگاه، پول‌هایی گردآوری می‌کردند و اقدامات مهمی در این زمینه انجام شد که شایسته تقدیر است.

«اتحادیه نسوان»، «انجمن همت خواتین» و «هیئت خواتین مرکزی» نیز به سان آنها بودند. تمام این انجمنها در جریان اتمام حجت روسیه به ایران در ۱۹۱۱ م، به فعالیت خود با نقشهای شایانی ادامه دادند. زیرا که زنان به شدت زیر ظلم و ستم بودند. از اقدامات مهم دیگری که این انجمن‌ها انجام دادند، نوشتن نامه‌ای در ۱۹۱۱ م به زبان انگلیسی، مبنی بر تقاضای کمک برای جلوگیری از تجاوزات روسها، به این مضمون بود: «گوش مردان اروپایی در مقابل فریادهای ما کر شده است، آیا شما زنان نمی‌توانید به کمک ما بیایید؟»

زنان انگلیسی در پاسخ می‌گویند: «ما حتی نمی‌توانیم دولت انگلستان را وادار کنیم تا به زنان کشور خودش، آزادی سیاسی بدهد. ما هم مانند شما قدرتی نداریم تا عملکرد آنان را در مقابل ایران تغییر دهیم».<sup>۱۶</sup>

● در کنار آموزش به شیوه سنتی، فکر آموزش و پرورش زنان به سبک غربی، از آغاز دوره قاجار شکل گرفت. این امر، از آثار مسافرتها و آشنایی‌های جهانگردان ایرانی و مشاهده آموزش دختران اروپایی به شمار می‌رفت.

از سوی دیگر، رفت و آمد اروپاییان نیز زمینه را برای برپایی این گونه مدارس در ایران آماده ساخت.

۱۹۱۱ م به اقدامات مهمی پرداختند. «انجمن آزادی زنان» (Meeting Free) که در آغاز سال ۱۹۰۷ م برپا شد، فعالیتهای زیادی در مورد مسایل فرهنگی و اجتماعی زنان داشت. در پی رفت و آمدهای شماری از زنان و مردان به خارج و تماس با اروپاییان و آشنایی آنان با تمدن غرب، پایه‌های ایجاد این انجمن برای ورود زنان در فعالیتهای اجتماعی و تماس آنان با مردان، نهاده شد.<sup>۱۳</sup>

«اتحادیه غیبی نسوان» که يك سازمان مخفی شمرده می‌شد نیز در ۱۹۰۷ م در تهران برپا شد؛ این اتحادیه دارای گرایشهای تند انقلابی بود و خود را صدا و سخنگوی محرومان و تهیدستان جامعه معرفی می‌کرد و در مواردی نیز رودر روی نمایندگان مجلس قرار می‌گرفت. «انجمن نسوان» که در دوره نخست و دوم مشروطیت به تلاشهای گسترده و ژرفی دست زد، دیدگاههای سیاسی و اجتماعی داشت و بویژه نظرات آنها بر اساس ایجاد شوراها و انجمنهای گوناگون برای زنان بود که می‌بایست در مجلس مورد تصویب قرار گیرد.<sup>۱۴</sup>

در همین سال در تبریز، کمیته زنان با شاخه‌ای در استانبول به نام «کمیته زنان ایرانی» تشکیل شد. از فعالیتهای این کمیته، در جریان محاصره تبریز از سوی نیروهای محمدعلی شاه در ۱۹۰۸ م این بود که با فرستادن تلگرامی به همتای خود در استانبول درخواست کردند تا افکار عمومی جهان را از وضع زنان ایران آگاه سازند و «کمیته زنان ایرانی» در استانبول، نیز در تلگرامی به ملکه انگلستان و ملکه پروس، خواهان کمک آنان شدند. متن این پیام این چنین بود:

«به امپراتریس اگوستا و یکتوریا نئوس، کاخ نئوس (پتسدام)

کمیته زنان ایرانی در قسطنطنیه با ملاحظه خواهران خود در ایران به نام بشریت و به نام ایرانی، با احترام از آن والا حضرت دعوت می‌نماید که با استفاده از نفوذ باکرامت خویش و با میانجیگری به خاطر خواهران، در جهت خاتمه بخشیدن به کشتار و خونریزی در ایران و ستمگری غیرقابل وصفی که از جانب قوای انتظامی و به دستور شاه بر خواهران ما اعمال می‌شود، اقدام نمائید.» ریاست کمیته، زهره<sup>۱۵</sup>

«انجمن مخدرات وطن» هم فعالیت خود را از ۱۹۱۰ م آغاز کرد، از اعضای این انجمن، زنان سرشناسی بودند که با

«انجمن آزادی زنان»، بود که در ۱۲۸۶ ش، در تهران پدید آمد. او همچنین از اعضاء و سخنرانان اصلی «انجمن مخدرات وطن» بود که پیش از این به آن اشاره شد، شایان توجه است که در ۱۲۸۸ ش، انجمنی به نام «انجمن بانوان اصفهان» نیز به همت دولت آبادی در اصفهان آغاز به فعالیت کرد و در سال ۱۲۹۰ ش. «صدیقه دولت آبادی، بانو ملك المتكلمين، آغاشاهزاده اصیل، ماهرخ گوهر شناس و...» دو انجمن دیگر به نامهای «انجمن خواتین ایران» و «شرکت خیریه خواتین ایران» برای کمک به محرومان در تهران برپا کردند.

در ۱۹۲۳ م پس از پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه و گسترش تبلیغات آنان در شاخه زنان، کوششهایی از سوی روسها در شمال ایران صورت گرفت و در پی آن، پس از کنگره حزب کمونیست در باکو، «گروه بیک سعادت نسوان» در رشت با مدیریت روشنک نودوست و عضویت جمیله صدیقی، سکینه شبرنگ، اورانوس پاریاب، پری رخ نویدی کسمایی، برپا شد. همچنین، پدram کمالی و فرخنده نویدی کسمایی و چند تن دیگر نیز از مؤسسان این جمعیت بودند. آنان با انتشار مجله «بیک سعادت نسوان» و برپایی کتابخانه، قرائت خانه و ایراد سخنرانیها و اجرای نمایشها به پیشرفت و ترقی زنان با افکار کمونیستی پرداختند.<sup>۱۹</sup>

اوج فعالیت انجمنهای زنان در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ م بوده است که برخی از اعضای جوان این انجمنها، صدیقه دولت آبادی، محترم اسکندری و شمس الملوك جواهر کلام بودند، آنها برای رشد حقوق اجتماعی نسوان تلاش می کردند و در این راستا شهرت زیادی به دست آوردند. باید دانست که نخستین نشریه ای که موضوع حجاب زنان را به میان کشید «زبان زنان» بود که در اصفهان با وجود مذهبی بودن این شهر، مقالاتی را نگاشت که نمایانگر آزادی بیان زنان است. صدیقه دولت آبادی، (خواهر یحیی دولت آبادی) فعالیت خود را در ۱۹۲۲ م به فرانسه کشاند و پس از مطالعه و تحصیل در دانشگاه سوربن کوشید که با سخنرانی درباره زنان و انتشار مقالات در نشریات اروپایی، فعالیت سیاسی زنان را در تشکلهای و انجمنهای مخفی در ایران به گوش جهانیان برساند، و موفق شد که در ۱۹۲۶ م به نمایندگی از ایران در کنفرانس جهانی زن در پاریس شرکت کند.<sup>۲۰</sup>

در ۱۹۲۵ م انجمنی دیگر از سوی زنان در تهران تشکیل

هر چند بیشتر این انجمنها درخواستها و فریادهای خود را در نشریات چاپ می کردند اما جالب است بدانید که در نقاط گوناگون ایران با یکدیگر تماس داشتند. زیرا که در آذربایجان و اصفهان نیز چنین انجمنهایی در ۱۹۰۶ م برپا شدند. بنا به گزارش نشریه فرانسوی «جهان مسلمان»، در فوریه ۱۹۰۷ م یکصد و پنجاه زن، انجمنی پدید آوردند تا با سنتهای دست و پاگیر کهن که ضد پیشرفت بودند به مبارزه برخیزند. زنان اصفهان نیز «هیئت نسوان» این شهر را پدید آوردند، این انجمن برای بهبود وضع زنان، تظاهراتی برپا کردند که به ارسال شمار زیادی نامه از سوی زنان قزوین و سنگلج به روزنامهها انجامید و خبر تظاهرات و اعتراضات زنان در روزنامه منتشر شد. در ۱۹۰۷ م و ۱۹۰۸ م، شماری از زنان تبعیدی ایرانی در ترکیه نیز برای حمایت از جنبش مشروطیت به اقداماتی دست زدند و سازمانی موسوم به «انجمن خیریه نسوان ایرانی مقیم استانبول» را برپا کردند.<sup>۱۷</sup>

زنان عشق آباد در آسیای مرکزی و نیز گروه زیادی از زنان ترکستان نیز به زنان تهران پیوستند، و گاهی مطالب و درخواستهای خود را در روزنامه احزاب سوسیال دموکرات به چاپ می رساندند، شمار زیادی از این زنان همسران کارگران معدن زغال سنگ بودند که به سبب وضع بد اقتصادی ایران به ترکستان مهاجرت کرده بودند و در پی فرصتی مناسب بودند که به ایران بازگردند.

در جریان مبارزات، زنان بسیاری بودند که در تاریخ کنونی ایران نقش ارزنده ای از خود به جای گذاشتند. صدیقه دولت آبادی (۱۳۴۰-۱۲۶۱ ش) از این زنان است. او فعالیت برای برآورده کردن حقوق زنان را از سالهای پایانی پادشاهی قاجار آغاز کرد و در دوره پهلوی نیز در این زمینه کوشا بود. در نیم سده فعالیت، نقش و اثر او در جنبش زن ایرانی و تشکیل انجمنهای آشکار و نهانی بريك روال نبود و با فراز و نشیبهایی همراه شد. روزنامه «زبان زنان»، نه تنها در کارنامه دولت آبادی بلکه در جنبش زن ایرانی اهمیت چشمگیری دارد. زیرا زن ایرانی برای نخستین بار توانست روزنامه سیاسی منتشر کند و از آن راه مواضع و نظریات خود را برای سامان یابی و تحول جامعه ایران ارائه کند.<sup>۱۸</sup>

صدیقه دولت آبادی افزون بر راه اندازی روزنامه «زبان زنان»، و انتشار شمار زیادی مقاله، در برپا کردن انجمنهای زیادی نیز دست داشت و عضو و یکی از اعضای کوشای

فعالیت خود را تا آنجا ادامه داد که يك انجمن انقلابی زنانه در شهر تهران بنیاد نهاد که در این انجمن زنان تعهد داشتند با وجود دشواریهای موجود، در راه آزادی خویش تلاش ورزند. اعضای این گروه انگشتی در دست داشتند که خود طرح آن را ریخته بودند. روی این انگشت دو دست که یکدیگر را می فشردند نقش بسته بود که نشانه همبستگی و انسجام زنان با یکدیگر بود. ماهرخ گوهر شناس با اینکه تحصیلاتی نداشت اما، مدرسه ای دخترانه به نام «ترقی» در تهران برپا کرد.<sup>۲۳</sup>

خانم «کلارا کلیور رایس»، انگلیسی و همسر یکی از اعضای هیأت مذهبی و تبلیغی مسیحی ساکن جلفای اصفهان که ۴ بار به ایران سفر کرد و در زمینه سیمای زن ایرانی و محیط پیرامون وی مقالات و کتابهای زیادی نوشته است در زمینه نقش زنان در تاریخ کنونی ایران می نویسد:

«یکی از عرصه‌هایی که زنان از همان آغاز نهضت مشروطیت به صورت فعال در آن حضور یافتند و به مرور، خواسته یا ناخواسته، زمینه‌ساز تحول در فکر و اندیشه نسبت به زن ایرانی در جهت اهداف و فرهنگ غرب شدند، انتشار روزنامه و مجله بود.

یکی از روزنامه‌هایی که در ایران منتشر می‌شد، «شکوفه» نام داشت که روزنامه مصوری بود و به منظور بیداری توده نسوان در سال ۱۲۳۱ قمری به مدیریت خانم «مزین السلطنه» (مریم عمید)، رئیس مدرسه مزینیه منتشر می‌شد. دیگری «زبان زنان» نام داشت که در اصفهان با مدیریت و همت بانو صدیقه دولت آبادی تأسیس و شماره اول آن در تاریخ شنبه ۲۴ ذی الحجه ۱۳۳۷ قمری مطابق با ۲۸ سنبله ۱۲۹۸ شمسی منتشر شد. این روزنامه ماهی دو مرتبه چاپ و پخش می‌شد و از همه جالب تر اینکه، زیر عنوان مجله، همیشه این جمله درج می‌شد، «فقط اعلانات و مجلات و لوايح خانمها و دختران مدارس پذیرفته می‌شود و در طبع و جرح آن اداره آزاد است». در ضمن سردبیر آن هم، دختر يك مجتهد بود، او به دنبال این مطالب در کتابش به انجمنی اشاره دارد که این انجمن تحت عنوان «انجمن آهین ایران» متشکل از هزاران زن، تشکیل شده است که هدف آنها ایجاد دموکراسی اجتماعی و بالا بردن توان سیاسی زنان در جامعه است».<sup>۲۴</sup>

اما به گفته خانم پروفیسور «بنی اوا»، رئیس «جامعه زنان

● «اتحادیه غیبی نسوان» که يك سازمان مخفی شمرده می‌شد نیز در ۱۹۰۷ م در تهران برپا شد؛ این اتحادیه دارای گرایشهای تند انقلابی بود و خود را صدا و سخنگوی محرومان و تهیدستان جامعه معرفی می‌کرد و در مواردی نیز رودر روی نمایندگان مجلس قرار می‌گرفت.

شد که هم به جهت گستردگی فعالیت و هم از نظر برجستگی اعضای آن، اهمیت ویژه‌ای را داراست که همانا «جمعیت نسوان و طنخواه» بود که با مدیریت محترم اسکندری برپا شد و کمکهای محرمانه‌ای را نیز از دولت دریافت می‌کرد.<sup>۲۱</sup>

محترم اسکندری درباره اهداف این جمعیت و سبب تشکیل آن نوشت: «چون در جریان مشروطه آنچه‌ای که باید و شاید به حقوق زنان توجه نشده، این جمعیت در صدد کسب آن حقوق می‌باشد».<sup>۲۲</sup>

جمعیت نسوان وطن خواه گرایش سوسیالیستی داشت و با برگزاری کلاسهای آموزشی برای زنان نشریه‌ای زیر نام «زنان میهن پرست» نیز منتشر ساخت. مهمترین اقدام جسورانه این انجمن سوزاندن نسخه‌هایی از کتاب «حیله‌های زنان» در میدان توپخانه تهران بود.

محترم اسکندری (۱۸۹۵-۱۹۲۴ م) فرزند محمدعلی اسکندری یکی از شاهزادگان قاجار، بود که افزون بر «جمعیت نسوان و طنخواه» «انجمن آدمیت» را پیش از انقلاب مشروطیت بنیاد نهاد و هدف آن حمایت از حقوق زنان بود. محترم اسکندری از نظر بدنی کم توان بود و زندگی کوتاهی داشت ولی نام او به عنوان یکی از پیشتازان جنبش زنان در دهه ۱۹۲۰ مطرح بوده است.

ماهرخ گوهر شناس (۱۸۷۲-۱۹۳۸ م) نیز جزو زنانی است که با وجود نداشتن آموزش به جنبش زنان پیوسته است و در درون خانه خویش نشستهای تشکیل داد و در جهت آزادی زنان تلاش بسیار کرد. او در بهنه زندگی اجتماعی

۱۹۰۴ م/ ۱۲۸۳ ش. در تهران آغاز به کار کرد و هدف آن کمک به افراد ناتوان، تأمین خوراک و پوشاک و رسیدگی به وضع تحصیلی افراد مستمند بود.

● «انجمن خیریه بانوان ارمنی آترپاتاکان»، این انجمن در ۱۲۷۳ ش در تبریز به فعالیت پرداخت که ویژه زنان ارمنی بود و بیشتر در امور خیریه پویا بود.

● «انجمن انقلاب نسوان» که سپس به «نهضت نسوان» تغییر نام داد. این انجمن از سوی زנדخت شیرازی برپا شد. اوج فعالیت این انجمن در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷، و محل آن در تهران بوده است.

● «انجمن خیریه بانوان اصفهان» در ۱۳۲۷ در اصفهان برپا شد که با اهداف آموزشی، اجرایی، اطلاع‌رسانی، برنامه‌ریزی، تحقیقاتی، خدمات‌رسانی، مشاوره‌ای و مسائل مذهبی فعالیت داشت.

● «انجمن خیریه بانوان جلفای اصفهان» در ۱۲۷۰ ش و با هدف کمک به افراد مستمند تلاش می‌کرد.

● «انجمن خیریه تعاون اتفاق» نیز در سال ۱۳۲۸ ش از سوی زنان و مردان خیر کلیمی و با هدف رساندن کمکهای مادی و معنوی به مستمندان و نیازمندان کلیمی برپا شد.

● «انجمن خیریه زنان ارامنه جلفای اصفهان» که در ۱۲۹۳ ش و برای حمایت از حزب دانشناکسیون و «انجمن صلیب سرخ حزب دانشناکسیون» برپا شد و در دوران مشروطیت نیز فعالیت داشت.

● انجمن زنان ارمنی دوستدار کلیسا (آبادان) نیز در ۱۳۰۸ ش در آبادان برپا شد. هدف این انجمن افزایش سطح فکری و فرهنگی بانوان و کمک کردن به مدارس ارامنه بود.

● «انجمن زنان دوستدار کلیسا» در ۱۳۰۷ ش برپا شد. این انجمن نهادی وابسته به شورای خلیفه‌گری ارامنه بود که هدف نهایی آن خدمت به کلیسا و رسیدگی به این بنیاد مذهبی بود. در دوران مشروطیت نیز این انجمن فعال بود.

● «انجمن بیداری زنان»، شاخه‌ای از جمعیت نسوان وطنخواه بود که تفکرات مارکسیستی داشت و در قزوین اعلام موجودیت کرد. این انجمن در ۱۳۰۵ برپا شد. و اعضای آن با کاربرد حجاب مخالف بودند.

● «انجمن زنان زرتشتی» که در ۱۳۰۴ ش در یزد برپا شد. هدف این انجمن ایجاد یگانگی در بین زنان، کوشش در

مسلمان خلق تاجیک»، نخستین روزنامه‌ای که برای زنان چاپ شده روزنامه «دانش» بوده است، که به مدیریت خانم دکتر کحل و در ۱۳۴۹ ق. به صورت رسمی و با عنوان هفته‌نامه منتشر شد. در صفحه نخست این روزنامه اهداف آن این گونه درج شده است:

«روزنامه‌ای است اخلاقی، علم‌خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری، و بسیار مفید برای دختران و نسوان و به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخنی نمی‌راند»<sup>۲۵</sup>

اسامی دیگر انجمنها و تشکلهای زنان که در سالهای پیش و پس از مشروطیت که فعالیتهای چشمگیری داشتند: ● انجمن آشوریان که در ۱۳۲۳ ش آغاز به کار کرد. هدف از تشکیل این انجمن کمک به حل دشواریهای جامعه آشوریان در تمام زمینه‌ها بوده است.

● «انجمن اسلامی بانوان»، که پس از شهریور ۱۳۲۰ ش در تهران برپا شد، این انجمن برای ایجاد «انجمن اسلامی» تلاش می‌کرد.

● «انجمن امدادی زنان ارمنی» (تبریز) که در ۱۹۱۵ م در دوران جنگ جهانی اول و با هدف کمک به جنگ‌زدگان و محرومین جنگ در تبریز برپا شد.

● «انجمن ایتم»، که در سال ۱۲۸۹ ش و با هدف فراهم آوردن امکانات لازم برای تحصیل و کارآموزی دختران بی‌سرپرست در تهران برپا شد.

● «انجمن بانوان حساس»، در ۱۳۲۲ ش به صورت یک سازمان فرهنگی، تبلیغی با شعار ترویج شرکت فعال زنان در اجتماع و برای مبارزه با برگشت حجاب در تهران ایجاد شد.

● «انجمن بانوان دوستداران کلیسای ارامنه» در ۱۳۰۵ ش به پیشنه‌های رئیس و معاون مجلس ملی

(خلیفه‌گری) با هدف کمک به هیئت مدیره کلیساها برپا شد. این انجمن خیریه و ویژه زنان ارمنی بوده است.

● «انجمن بانوان محله لیلای» تبریز که در ۱۲۷۰ ش در تبریز و با هدف کمک به زنان و دختران ارمنی برای تحصیل رایگان و انجام کمکهای آموزشی برای بانوان ارمنی برپا شد.

● «انجمن بانوی ارمنی» که در ۱۳۱۷ ش و با هدف بهبود امور آموزشی و فرهنگی بانوان ارمنی برپا شد. فعالیتهای این انجمنها تاکنون نیز ادامه دارد.

● «انجمن خیریه بانوان ارامنه تهران» که در ۱۳ اکتبر

شمرده نمی‌شد، احساس آزادی می‌کردند. بعدها و بویژه پس از سال ۱۲۸۵ ش حرکت زنان محسوس‌تر و مستقل‌تر شد. انجمنها برپا کردند و با همین انجمنها و سازمان‌های مخفی فعالیت‌های قهرآمیز و یا مسالمت‌آمیزی را بر ضد قدرتهای خارجی و در هواداری از انقلاب مشروطه سازمان دادند.

اگر مبارزه زنان برای دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی به گروهی اندک و کم‌شمار از زنان تجددطلب شهری، آن هم بیشتر در تهران، محدود می‌شد، پاسداری و هواداری از انقلاب مشروطه و دستاوردهای آن، گروه‌زیادی از زنان کشور (شهری و روستایی) را دربرمی‌گرفت. هر چند در این بهینه نیز فعالیت زنان مشروطه‌خواه از جنبش عمومی کشور بیرونی می‌کرد اما ویژگیهای خود را نیز داشت و نشانه بارزی از اراده و گرایش زنان به مشارکت سیاسی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی بود.

زنان ایرانی که در منطقه خاورمیانه پیشرو بودند، هر چند نتوانستند با تشکلهای و انجمنهای زنان دیگر کشورها پیوندی گسترده و استوار برقرار کنند، اما زیر تأثیر آن قرار داشتند و می‌کوشیدند تا بخشی از جنبش جهانی زنان باشند.

تأدهه ۱۳۲۰ ش. ۱۹۴۲ م فعالیت زنان ایرانی در چارچوب نگرش دموکراتیک و بورژوازی قرار داشت و همین نگرش دگرگونی جدی در زندگی و اندیشه زن ایرانی پدید آورد. از مهمترین دستاوردهای فعالان حقوق زنان در سالهای میان انقلاب مشروطیت تا آغاز سلطنت پهلوی

● در مراحل نخست انقلاب مشروطه یعنی در آغاز دهه ۱۲۸۰ ش زنان فعال بیشتر متأثر از رهبران مذهبی بودند و نشریه «شورش نان» نمونه‌ای از آن بود. شمار زیادی از زنان به سبب حمایت روحانیت، برای شرکت در تظاهرات یا سردادن شعارهای ملی، یا هر رفتار دیگری که «زنانه» شمرده نمی‌شد، احساس آزادی می‌کردند.

پیشرفت و فراهم آوردن امکان تحصیلات دوشیزگان، بر انداختن رسوم نادرست و یاری دادن به فقرا بود.

● «انجمن منتفقه نسوان» در دوره (۱۳۱۲-۱۲۵۸ ش) در تهران برپا شد. هدف این انجمن یاری دادن به زنان و دختران بی‌بضاعت و کمک به رشد و پرورش زنان جامعه آن روز ایران بود.

● «انجمن مخدرات وطن» که در سال ۱۹۱۰ م/۱۳۲۸ ق برپا شد که در متن مقاله به چگونگی فعالیت آن اشاره شده است.

● «انجمن نسوان» که در ۱۹۱۳ م/۱۳۳۰ ق در تهران برپا شد. اهداف این انجمن، بنیادگذاری «مدرسه عالی نسوان» و ترویج علوم و هنر در میان نسوان بود.

● «انجمن همت خواتین» نیز در ۱۹۱۵ م/۱۳۲۳ ق با هدف پاسداشت استقلال کشور و تقویت و گسترش صنایع ایران در تهران شکل گرفت. این انجمن فعالیت زیادی در دوران مشروطیت داشت.

● دیگر انجمنهای زنان سالها پس از نهضت مشروطیت برپا شدند که ضرورتی به یادآوری آنها در این نوشتار نیست.<sup>۲۶</sup>

### چکیده سخن:

زنان ایرانی که سالیان زیاد در فضای خانه گوشه‌گیر شده بودند، در مواردی حتی حق قدم زدن در برخی خیابانهای پایتخت پس از ساعتهای به خصوصی را نداشتند. هیچ گروه اجتماعی، با هر میزان جمعیت، نمی‌توانست از منافع خود دفاع کند، و این مسئله در مورد زنان تشدید می‌شد زیرا آنان افزون بر رویارویی با چنین تنگناهای شدیدی، هیچگونه تعامل با جهان بیرون از خانه نیز نداشتند. انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش/۱۹۰۶ م) فرصت خوبی برای زنان فراهم آورد تا محیط تنگ خانه را پشت سر گذاشته و پا به بهینه جامعه نهند.

در مراحل نخست انقلاب مشروطه یعنی در آغاز دهه ۱۲۸۰ ش زنان فعال بیشتر متأثر از رهبران مذهبی بودند و نشریه «شورش نان» نمونه‌ای از آن بود. شمار زیادی از زنان به سبب حمایت روحانیت، برای شرکت در تظاهرات یا سردادن شعارهای ملی، یا هر رفتار دیگری که «زنانه»

۱۲. فتحی، مریم، پیشین .
۱۳. بامداد، بدرالملوک، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۱، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۷
۱۴. «اتحادیه مخفی زنان». ندای وطن. شماره ۷۰ (۱۲۸۶ ش) ص ۴
15. Bradford, Martin G. **Persian diplomatic relations 1873-1912**, Footnote to p. 155
۱۶. کوماری چایواردنه. مبارزات زنان در ایران. ترجمه مه‌لقا کاشفی. به کوشش نوشین احمدی خراسانی، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰
۱۷. آفاری، ژانت. پیشین. صص ۲۰ تا ۲۲
۱۸. آغاز حرکت انقلابی در میان ترکمن‌ها در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۰ ج ۱. کتاب ۲. عشق آباد، ۱۹۴۶ (متن روسی)
۱۹. ناهید، عبدالحسین، زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز، احیاء، ۱۳۶۵، ص ۹۲
۲۰. توانا، مرادعلی، پیشین، ص ۱۳
۲۱. همراز، ویدا. «نهادهای فرهنگی در حکومت رضا شاه» تاریخ معاصر ایران، سال ۱، ش ۱ (۱۳۷۶) صص ۶۳-۵۰
۲۲. ابراهیمی، ایراندخت، انقلاب اکتبر و ایران، چاپ دوم، ص ۳۱۹
۲۳. اوانبی «زنان مبارز ایرانی» دوشنبه، دانشگاه دولتی تاجیکستان، ۲۰۰۱ (متن روسی)
۲۴. پناهی. پیشین. صص ۲۲ و ۲۳
۲۵. اوانبی. همان
۲۶. مرکز مشارکت زنان، دایرةالمعارف زن ایرانی، تهران، سیمرخ، ۱۳۸۲، صص ۱۵۹-۱۴۶... وبصاری، طلعت. زندخت، تهران، طهوری، ۱۳۴۶

می‌توان به برپا شدن تشکلهای و انجمنهای سری و نیمه سری زنان، و مدارس دخترانه که به سرعت رو به گسترش نهاد و نیز انتشار نشریات ویژه زنان و... اشاره کرد.

### پانویس:

۱. «گفتگو»، ش ۳۸، (آذر ۸۲)، ص ۵۱
۲. خسرو پناه، محمدحسین، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران پیام امروز، ۱۳۸۱، صص ۱۹-۲۰
۳. «ایرانی نو»، ش ۱۸۷ (۱۹۱۰)، ص ۳
۴. گوارایی، فاطمه. «مشارکت زنان در انقلاب مشروطه»، نامه، ش ۳۱ (مرداد- شهریور ۱۳۸۳) ص ۵۴
۵. آفاری، ژانت، انجمنهای نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، تهران، نشر بانو، ۱۳۷۷، ص ۱۰
۶. ساناساریان، الیزا، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی تهران، اختران، ۱۳۸۴، ص ۶۲
۷. همان، ص ۱۱
۸. فتحی، مریم. «کانون بانوان بارویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران». تاریخ معاصر ایران، ش؟ (۱۳۸۳) ص ۴۸
۹. توانا، مرادعلی. زن در تاریخ معاصر ایران، تهران، نشر برگ زیتون، ۱۳۸۰
۱۰. ساناساریان، پیشین، همانجا.
۱۱. پناهی، فرشته. زن ایرانی در سفرنامه‌ها، تهران، جاجرمی ۱۳۸۱. صص ۲۱ و ۱۷۹.